پیشخوان

نظر و گذری بر
«یادداشت‌های سفر شهید صیاد شیرازی»

آنچه سردار از جنگ به تاریخ سپرد

■ **شاهد توحیدی**

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی از چهره‌های ماندگار و نمادین ارتش انقلابی و دوران دفاع‌مقدس به شمار می‌رود. داستان‌های پیکار شجاعانه او در سالیان جنگ تحمیلی و نیز فرجام خونینی که یافت، او را برای محققان تاریخ معاصر ایران به چهره‌ای جذاب مبدل ساخته است. درباره وی آثاری تدوین شده که هریک در حد خود جلوه‌هایی از منش والای او را نمایان می‌کند. با این حال در این موضوع، همچنان مجال تحقیق وجود دارد و موضوعات ناگفته فراوان است. اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، گزارشی از یکی از ابداعات شهید صیاد شیرازی و نتایج و پیامدهای آن است. این مجموعه به صورت سفرنامه تنظیم شده و همین امر بر جذابیت آن افزوده است. محسن کاظمی نویسنده تاریخ انقلاب اسلامی، شهید صیاد شیرازی را در سفرها و اردوهای این هیئت همراهی می‌کرد و نکات جذاب این بازدیدها را نگاشت و به تاریخ سپرد. «یادداشت‌های سفر شهید صیاد شیرازی» از سوی انتشارات سوره مهر نشر یافته و به چاپ پنجم نیز رسیده است. تارنمای ناشر در معرفی این سفرنامه، اشاره به نکات پی آمده را مغتنم دانسته است:

«یادداشت‌های سفر شهید صیاد شیرازی، عنوان کتابی است به قلم محسن کاظمی از نویسندگان و پژوهشگران تاریخ معاصر. موضوع کتاب مربوط به مأموریت‌های میدانی و تحقیقاتی هیئت معارف جنگ است که مسئولیت آن را شهید سپهبد علی صیاد شیرازی بر عهده داشت. آن شهید والامقام، هیچ گاه جنگ را پایان بخش فعالیت‌های

دهه ۶۰. شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در ستاد تبلیغات جنگ

خود نمی‌دید. از این رو در سال ۱۳۷۳، برای انتقال دانش و تجربیات جبهه و جنگش، در دانشگاه افسری امام علی (ع) مشغول تدریس شد و سپس هیئتی را با عنوان معارف جنگ ایجاد کرد تا خاطرات رزمندگان را از مأموریت‌های میدانی و پژوهشی، مناطق عملیاتی و عوارض باقیمانده از جبهه‌های جنگ، ضبط و ثبت صوتی و تصویری کند تا در تهران تکمیل و مدون شوند. محسن کاظمی در این مجال، در سال ۱۳۷۴، فرصت یافت تا به عنوان وقایع نگار سفرهای میدانی با این هیئت پیوند بخورد و در ۹ سفر میدانی، حوادث را به صورت لحظه به لحظه به ثبت برساند. او علاوه بر این، با تیزبینی‌های خود تمام فعالیت‌ها، سخنرانی‌ها، گفتارها، خاطرات، روش‌های مدیریتی و حتی مناجات شبانه شهید صیاد شیرازی را ثبت کرد تا بعدها اثری که عرضه می‌کند، بر محور شخصیت شهید شیرازی استوار باشد. این یادداشت‌ها مربوط به مأموریت‌های میدانی و تحقیقاتی این گروه و با هدف ثبت دقیق برخی از وقایع جنگ ایران و عراق است. نویسنده به عنوان وقایع نگار در این سفرهای میدانی از کردستان تا خوزستان همراه این گروه بوده و علاوه بر ثبت خاطرات همراهان شهید صیاد شیرازی و عده‌ای از امرای ارتش ایران، در مواردی نیز به ابعاد شخصیت تیمسار صیاد شیرازی پرداخته است. بازدید از جاده سنندج، قروه، روستای صلوات‌آباد، دهگلان، توضیحات تیمسار صیاد درباره عملیات محاصره پادگان سنندج، عملیات گردنه صلوات‌آباد و توضیحات دیگر سرداران، بازدید از اشنویه، بوکان، میاندوآب و سقز و توضیحات تیمسار صیاد درباره پاکسازی این مناطق از دست ضدانقلاب، بازدید از مناطق عملیاتی طریق القدس، چگونگی طرح‌ریزی عملیات و شرح قرارگاه‌ها و تشکیل آنها از بخش‌های این کتابند...»

نمایی از راهپیمایی حمایت‌آمیز حوثی‌های یمن در حمایت از «طوفان الاقصی»

نگاهی به اشتراکات تاریخی مردم ایران و یمن
به بهانه نزدیکی دو کشور در حمایت از فلسطین

مردمی که تمام قد کنار محور مقاومت ایستاده‌اند

■ **انوشه میرمرعشی**

سرزمین یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع شده و از شرق به کشور عمان از جنوب به دریای عرب و خلیج‌عدن و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود. نیمی از جمعیت یمن شیعه چهارامامی و نزدیک به نیمی دیگر اهل سنت (شافعی مذهب) و شیعه ۱۲امامی هستند. البته اقلیتی از یهودیان و مسیحیان هم در این کشور زندگی می‌کنند[۱]. جالب است که سرنوشت مردمان ایران زمین و مردمان سرزمین یمن، از دیر باز به هم گره خورده است و این به هم پیوستگی، در برهه‌های مختلف تاریخ تا به امروز ادامه پیدا کرده است. در مقال پی آمده سعی شده تا این اشتراکات تاریخی به شکل مختصر مورد بررسی قرار گیرد. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **ایرانیانی که در یمن «ابناء الاحرار» شدند**

چهار دهه قبل از ولادت حضرت رسول اکرم (ص)، مردم یمن از حملات پادشاهان حبشه در رنج و عذاب بودند، زیرا پادشاهان حبشه هرچند سال یک‌بار به یمن حمله می‌کردند، این سرزمین را مدتی در اشغال نگه می‌داشتند و منابعش را غارت می‌کردند! هم از این روی بزرگان یمن که به دنبال پیداکردن راهی برای قوی‌شدن کشورشان در برابر حبشیان بودند، نمایندگانی را به دربار پادشاه ساسانی روانه کرده و از او خواستند که گروهی از مردان جنگجو و مدبر ایرانی را به همراه خانواده‌های‌شان به یمن بفرستند تا در قبال مالیاتی که مردم یمن به حکومت ایران پرداخت خواهند کرد، آنها از یمن و مردمش در برابر متجاوزان محافظت کنند. به این شکل و با موافقت پادشاه ساسانی، گروهی از ایرانیان از راه دریا به سرزمین یمن - که در جنوب کشور عربستان قرار داشت- مهاجرت کردند. در طول چند دهه، این ایرانیان با مردم یمن صمیمیتی فراوان پیدا کردند و در آن سرزمین به «ابناء الاحرار» یعنی فرزندان آزادگان شهرت پیدا کردند، اما گاهی اتفاق می‌افتاد که به دلیل حملات قبایل بدوی عرب ساکن در جزیره العرب (عربستان) به بخش‌هایی از سرزمین یمن، برخی از ایرانیان به اسارت قبایل عرب در می‌آمدند و به عنوان برده به ثروتمندان مکه یا یثرب فروخته می‌شدند. یکی از ایرانیانی که در جریان حملات اعراب بدوی به یمن به اسارت درآمده و به یهودیان یثرب فروخته شده بود، بانویی اصالتاً اهل اصفهان بود. در زمانی که رسول اکرم(ص) همراه مسلمانان از مکه به مدینه هجرت کردند، این بانو به سن پیری رسیده بود و در یثرب زندگی می‌کرد. از آنجا که ایشان حساسیت و مهر مادری زیادی نسبت به بردگان ایرانی داشت به او لقب «امه الفارسیه» داده شده بود. این بانو بعد از مشاهده پیامبر(ص) و دقت در رفتار و گفتار او، حق و حقیقت را در کلام و رفتار ایشان یافت و اولین بانوی مسلمان ایرانی شد. دو ماه بعد برده‌ای ایرانی به نام «روزبه» (سلمان فارسی)، به مدینه آورده شد. «مادر ایرانیان»، اما وقتی روزبه را دید او را به سوی پیامبر راهنمایی کرد. خود سلمان فارسی می‌گوید: «وقتی که وارد مدینه شدم، زنی اصفهانی را دیدم که قبل از من به حضور پیامبر رفته و مسلمان شده بود، او مرا به سوی آن حضرت راهنمایی کرد[۲].»

■ **حب امیرالمؤمنین علی(ع) وِیژگی مشترک ایرانی‌ها و یمنی‌ها**

پس از ظهور اسلام و هجرت مسلمانان به مدینه، رسول اکرم(ص) در سال فتح مکه، یعنی سال هشتم هجری، خالد بن ولید را به همراه تنی چند از مسلمانان از جمله «براء بن عازب»، برای تبلیغ اسلام به یمن و به نزد قبیله «همدان» فرستاد. خالد حدود شش ماه مردم همدان را به اسلام دعوت کرد، ولی هیچ کس دعوت او را لبیک نگفت! خبر که به پیامبر(ص) رسید، آزرده خاطر شد و به امیرالمؤمنین علی(ع) مأموریت داد که به همراه تعدادی از مسلمانان به یمن برود و ضمن بازگرداندن خالد به تبلیغ اسلام بپردازد. البته به ایشان گوشزد فرمود که اگر کسی از همراهان خالد خواست در کنارت بماند، ممانعت نکن. به این شکل امام علی(ع) در سال هشت هجری به یمن رفت. موقع رسیدن امام به یمن، خالد و همراهانش رفتند، ولی «براء بن عازب» در کنار امام در یمن ماند. امیرالمؤمنین در روز رسیدن به یمن و پس از اقامه نماز، در برابر مردم قبیله همدان ایستاد و پس از حمد و ستایش خدا، نامه رسول‌الله را برای مردم قرائت و ایشان را به اسلام دعوت کرد. اینچنین در یک روز، همه مردم همدان اسلام آوردند. بعد از آن سایر قبایل یمنی که از زبان علی(ع) اسلام برای‌شان عرضه شده بود، ایمان آورده و مسلمان شدند و به این ترتیب، یمن بخشی از سرزمین اسلام شد[۳]. از این مقطع محبت حضرت امیر(ع)، در قلوب یمنی‌ها وارد شد.

البته حضرت علی(ع) دو سال بعد از آن و در سال ۱۰ هجری، دوباره با فرمان رسول خدا(ص) سفری دیگر به یمن کرد. به طوری که امروز ردپای حضور امام در یمن را حتی در نهج‌البلاغه هم می‌توان دید. ایشان با نوشتن عهدنامه‌ای زمینه صلحی دائمی را میان قبایل یمنی ایجاد کرد: «این عهدنامه‌ای است که میان مردم یمن -چه آنها که حاضرند و چه آنها که غائبند- و با مردم ربیعه- چه آنها که موجودند و چه آنها که پنهانند- بسته می‌شود. این دو طائفه تعهد کردند که همه را به سوی قرآن کتاب خدا دعوت کنند و برای اجرای مطالب آن سفارش کنند. هرکس را که به سوی قرآن و مطالب آن دعوت شد و پذیرفت را بپذیرند و حمایت کنند. تعهد کردند که قرآن را ارزان نفروشند و چیز دیگری را به جای آن نپذیرند. تعهد کردند در برابر کسی که این پیمان را نادیده گرفت و کنار گذاشت، بیاستند. تعهد کردند یاور یکدیگر باشند و پیمان خود را به خاطر سرزنش، غضب و بی‌اعتنایی یا ناسزاگویی نسبت به یکدیگر نشکنند. حاضر و غائب، سفیه و دانشمند و حلیم و نادان ایشان به این پیمان وفادارند و به این عهد و میثاق خدا پایبندند و خدا از حفظ این پیمان مؤاخذه می‌کند؛ این عهدنامه را علی‌بن‌ابیطالب نوشته است...[۴].»

■ **ایمان آوردن جمعی ایرانیان ساکن یمن**

شاید جالب باشد که بدانید بعد از «امه الفارسیه» و «سلمان فارسی»، بقیه ایرانیان ساکن یمن هم با یک پیشگویی صحیح پیامبر اکرم (ص)، ایمان آورده و مسلمان شدند. ماجرا از این قرار بود که «باذان بن ساسان» که فرمانروای ایرانی یمن از سوی پادشاه ساسانی بود، از طرف خسرو پرویز مأمور شده بود که محمدبن‌عبدالله(ص) - که به او نامه نوشته و وی را به اسلام آوردن دعوت کرده بود- را دستگیر و به ایران روانه کند! البته این دستور، بعد از پاره‌کردن نامه حضرت رسول از سوی خسرو پرویز صادر شده بود. باذان، اما مأموری به سوی مدینه فرستاد تا او حقیقت را درباره پیامبر بفهمد و بعد از آن، چاره‌ای برای اجرای دستور خسرو پرویز بیابد. بعد از اینکه نماینده باذان به نزد پیامبر رسید، رسول‌الله(ص) به او خبر داد که شب قبل خسرو پرویز به دست پسرش شیرویه کشته شده و تا مدتی دیگر خبر این قتل به باذان می‌رسد. وقتی خبر قتل خسرو پرویز به باذان رسید و ایرانیان و مردمان حق طلب یمن پیشگویی پیامبر(ص) را صحیح دیدند، باذان هیئتی را با هدایای بسیار به نزد رسول خدا(ص) در مدینه فرستاد و در نامه‌ای به پیامبر از ایشان خواسته بود کسی را برای آموزش اسلام به سوی یمن بفرستد و در ضمن، فرمانروای مسلمانی را هم برای یمن برگزینند، اما پیامبر(ص) ابتدا خود باذان را به عنوان کارگزارشان در یمن منصوب کردند و سپس حضرت علی(ع) به عنوان نماینده پیامبر(ص) به یمن رفتند و مردم را به اسلام دعوت کرده و اسلام را به آنها آموزش دادند. به این ترتیب یمنی‌ها و ایرانیان ساکن یمن، به شکل جمعی در سال دهم هجری قمری اسلام آوردند[۵].

■ **ایرانیانی که به قیام زیدیان پیوستند**

حدود یک قرن بعد و همزمان با دوره امامت امام‌محمدباقر(ع)، برادرشان زیدبن‌علی، علیه حکومت اموی دست به قیام زد. قیامی که از سوی امویان و در سال ۱۲۱ هجری قمری، به شدت درهم کوبیده شد و در آن واقعه زید و بسیاری از فرزندان و یارانش به شهادت رسیدند. بعد از او فرزندش یحیی بن زید به ایران آمد و در ناحیه طبرستان نیرو جمع کرد و مانند پدرش علیه امویان دست به قیام زد و در ناحیه خراسان با لشکر امویان جنگ کرد تا خود و یارانش به شهادت رسیدند[۶].

سال‌ها بعد یکی از فرزندان یحیی بن زید به نام یحیی‌بن‌حسین معروف به «الهادی الی الحق»، در سال ۲۸۴ قمری، از ایران به صعده رفت و حکومت زیدیان یمن را تشکیل داد. وی در فرامین خود، مردم را به توحید، عدل، امر به معروف و نهی از منکر فراخواند و با مسیحیان نجران پیمان بست و سپس توانست بر کل یمن مسلط شود. بعد از آن حاکمیت طولانی زیدیان بر یمن و به ویژه بر بخش جنوبی آن آغاز شد. حاکمیتی که در آن شیعیان چهار امامی با سلسله آل‌الهادی نزدیک به دو قرن، ایوبیان با زمان بیش از ۵۰ سال و رسولیان با بیش از سه قرن بر یمن تسلط داشتند و در کنار هموطنان شافعی مذهب خود، به اداره کشورشان مشغول بودند[۷].

■ **استعمارگران در سرزمین کهن یمن**

اوایل قرن ۱۱ هجری قمری بود که پای استعمارگران پرتغالی به یمن باز شد. آنها توانستند بخشی از یمن جنوبی را به اشغال خود درآورند، ولی چند دهه بعد شیعیان یمن علیه آنها قیام کردند و توانستند اشغالگران پرتغالی را از سرزمین‌شان بیرون کنند. حکومت امامان زیدیه بر یمن ادامه داشت تا اینکه با قدرت گرفتن وهابیون در عربستان، خاک یمن عرصه حملات وهابیون شد، اما باز هم امامان زیدیه پس از مدتی و البته با کمک گرفتن از «ابراهیم پاشا» سردار عثمانی، توانستند در سال ۱۸۱۸. م - برابر با ۱۱۹۶.ش - وهابیون را کاملاً شکست دهند و آنها را از یمن بیرون کردند، اما حدود یک قرن بعد، پای انگلیسی‌ها به یمن شمالی و منطقه حدیده باز شد، این در حالی بود که یکی از قبایل بزرگ حدیده - که معروف به ادریسیان است، برای رسیدن به قدرت مشغول جنگی سخت با امامان زیدی بود. دو دهه بعد و با بیشترشدن آتش جنگ داخلی میان ادریسیان و حاکمان زیدیه، عربستان سعودی - با فتنه‌گری انگلیسی‌ها- به بهانه حمایت از ادریسیان و در سال ۱۳۱۲. ش، به یمن حمله کرد و به این ترتیب توانست بخش عسیر را ضمیمه خاک کند!

با سلطه استعمار انگلیس بر یمن، حرکت‌های ضداستعماری یمنی‌ها آغاز شد. البته شیعیان زیدی با تأثیر از حرکت‌های چپ، راه مبارزه مارکسیستی را در پیش گرفتند و مبارزان شافعی مذهب به دنبال جمهوری خواهی و ملی گرایی عربی بودند و از این راه می‌خواستند با استعمار مبارزه کنند. به این شکل حکومت شوروی که در آن زمان خروشچف رهبر آن بود، سیاست حمایت از امامان زیدی و چپگراها را در پیش گرفت و در مقابل هم دولت استعمارگر انگلیس به علاوه حکومت عربستان سعودی، شروع به حمایت از سلطنت‌طلبان ملی گرای یمن شمالی کردند. اقدامی کثیف که باعث شعله‌ورشدن آتش جنگ داخلی در یمن شد و در نهایت به تجزیه یمن، به دو بخش یمن شمالی و یمن جنوبی انجامید[۸].

■ **روابط جمهوری اسلامی ایران و یمن**

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت پهلوی به پیروی از بلوک غرب، از سلطنت‌طلبان یمن شمالی حمایت می‌کرد و در مقابل مبارزان چپ ایرانی همچون فدائیان خلق و سازمان موسوم به مجاهدین خلق، طرفدار حکومت مارکسیستی یمن جنوبی بودند، اما با پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی(ره)، ابتدا روابط با هردو بخش یمن شمالی و جنوبی به شکل مسالمت‌آمیز برقرار شد، اما پس از حمله ارتش بعث صدام به جمهوری اسلامی و سفر رسمی علی‌عبدالله‌صالح به عراق و بازدید از نیروهای ارتشی یمن شمالی - که در کنار بعثی‌ها علیه ایران می‌جنگیدند- در سال ۱۳۶۱. ش روابط ایران با یمن شمالی به شدت تیره شد. البته همچنان روابط با یمن جنوبی، مسالمت‌آمیز برجای خود باقی ماند.

■ **داستان بیداری اسلامی در یمن و الحوثی‌ها**

با ایجاد «جمهوری یمن» که از وحدت دو یمن شکل گرفته بود، گروهی از شیعیان زیدی با الهام از تفکر اسلامی تشکلی را به نام «الشباب‌المؤمنین» بنا نهادند که هدف آن تربیت جوانان زیدی بود. شکل‌گیری این تشکل در حالی بود که مردم یمن اعم از سنی و شیعه از سیاست‌های تبعیض‌آمیز علی‌عبدالله صالح (نخست‌وزیر مادام العمر مورد تأیید امریکا و عربستان) رنج می‌بردند و نداشتن وجود رفاه، گسترش فقر، کمبود امکانات بهداشتی و آموزشی زمینه را برای نارضایتی عمومی در یمن به وجود آورده بود، اما به دلیل سختگیری شدید حکومت علی عبدالله بر شیعیان زیدی، شرایط برای قیام زیدی‌ها فراهم‌تر بود. به همین علت هم قیام زیدی‌ها در سال ۱۳۸۰. ش علیه حکومت مرکزی آغاز شد. قیامی که بلافاصله و بعد از کمک خواستن علی عبدالله از حکومت عربستان سعودی، به جنگ میان شیعیان زیدی (حوثی‌ها) با ارتش سعودی منجر شد. به این ترتیب در طول شش سال، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۸۱. ش تا ۱۳۸۷. ش، شش جنگ میان الحوثی‌ها با نیروهای نظامی سعودی رخ داد. در این شش جنگ و به ویژه در جنگ ششم - که در کوه‌های صعده اتفاق افتاد- الحوثی‌ها پیروز نبرد بودند. با وقوع بیداری اسلامی در کشورهای عربی، به ویژه بعد از ساقط شدن دو دیکتاتور تونس و مصر یعنی «بن علی» و «مبارک»، مردم یمن با قیامی چشمگیر توانستند صالح را از قدرت برکنار کنند. «عبدالملک الحوثی» رهبر کنونی جنبش الحوثی‌ها برادر «حسین الحوثی» است که در سال ۱۳۸۳. ش و در نبرد با عمال نظامی علی عبدالله صالح شهید شد. شهید حسین الحوثی به لحاظ عقیدتی، سخت شیفته دیدگاه امام‌خمینی و به لحاظ فقهی هم به شیعیان ۱۲ امامی نزدیک بود. وی به دلیل حمایت از سیاست‌های ضداسرائیلی و ضداستکباری جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی‌هایش، مورد غضب حکومت علی عبدالله صالح قرار گرفت و به همین دلیل به شهادت رسید[۹]. البته بسیاری عبدالملک بدرالدین را نیز مانند برادرش، به لحاظ فکری به شیعیان ۱۲ امامی نزدیک می‌دانند. وی با رهبری کشور یمن در جنگ هشت ساله با عربستان سعودی و حامیان غربی آن و سربلندی کشورش در آن جنگ و سپس حمایت تمام قد از مردم مظلوم غزه بعد از «طوفان الاقصی»، به قهرمانی اسطوره‌ای تبدیل شده است.

■ **منابع:**

۱- جعفری، عباس، *دانشنامه «گیتا شناسی»، جلد دوم، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ اول ۱۳۸۹. ش، ص ۱۳۱۸*
۲- محمدی اشتهاردی، محمد، *«ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع در ایران»، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱. ش، ص ۸۵ تا ۸۸، ۱۶۱ و ۲۰۲*
۳- شفیعی سروستانی، اسماعیل، *«سرزمین‌های درگیر در واقعه شریف ظهور»، جلد دو، نشر موعودعصر، چاپ اول ۱۳۹۱. ش، ص ۴۷۳*
۴- *«نهج‌البلاغه»، نامه ۷۴، ترجمه مصطفی زمانی، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ دوازدهم ۱۳۷۷. ش، ص ۸۳۸*
۵- مقاله *«اصحاب ایرانی رسول‌الله (ص)»، نوشته سیدمحمود سامانی، فصلنامه میقات حج، شماره ۸۴، تابستان ۱۳۹۲. ش*
۶- قمی، حاج شیخ عباس، *«منتهی‌الآمال»، انتشارات علویون، چاپ اول ۱۳۸۸. ش، ص ۷۱۸ تا ۷۲۴*
۷- جعفریان، رسول، *«جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام»، نوشته رسول جعفریان، انتشارات انصاریون، چاپ اول ۱۳۷۱. ش، ۴۶ و ۴۷ - و - انوری، حسن، «فرهنگ جغرافیایی سخن»، انتشارات سخن، چاپ ۱۳۹۱. ش، ص ۱۰۳۷*
۸- *«دانشنامه دانش گستر»، جلد هشت، مؤسسه علمی و فرهنگی دانش گستر، چاپ ۱۳۸۹. ش، ص ۴۴۱ و ۴۴۲ - و - ستویز، کارول، «اتحاد شوروی و خلیج‌فارس در دهه ۱۹۸۰»، ترجمه بیژن اسدی، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، چاپ اول ۱۳۸۶. ش، ص ۱۶۰ تا ۱۶۵*
۹- جمعی از نویسندگان، *«ابعاد نظری و عملی بیداری اسلامی»، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱. ش، صفحات ۲۵، ۴۱ و ۴۴ - و- جوکار، مهدی، مقاله «زیدی‌ها و انقلاب یمن» - نگاهی به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیدی‌های یمن، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان*

قیام زیدی‌ها در سال ۱۳۸۰. ش، علیه حکومت مرکزی آغاز شد. قیامی که بلافاصله و بعد از کمک خواستن علی عبدالله از حکومت عربستان سعودی، به جنگ میان شیعیان زیدی با ارتش سعودی منجر شد. به این ترتیب در طول شش سال، شش جنگ میان حوثی‌ها با نیروهای نظامی سعودی رخ داد. در این شش جنگ و به ویژه در جنگ ششم، حوثی‌ها پیروز نبرد بودند

سید عبدالملک بدرالدین الحوثی

بسیاری سیدعبدالملک بدرالدین الحوثی را نیز مانند برادرش سیدحسین الحوثی به لحاظ فکری به شیعیان ۱۲امامی نزدیک می‌دانند. وی با رهبری کشور یمن در جنگ هشت ساله با عربستان سعودی و حامیان غربی آن و سربلندی کشورش در آن جنگ و سپس حمایت تمام قد از مردم مظلوم غزه بعد از «طوفان‌الاقصی»، به قهرمانی اسطوره‌ای تبدیل شده است